

# آئین زردشت در محاصره

## ادیان دیگر



اگر اسلام به ایران نمی‌رسید؟ آئین زردشت در برابر نفوذ ادیان دیگر،  
 خاصه مسیحیت، یکسره خود را باخته، و بدست آنها تباه میشد و  
 مسیحیت دورانی همانند قرون وسطای اروپا در ایران به وجود می‌آورد



میشدها» را می‌توان از بررسی تاریخ و آخر عهد  
 ساسانی بدست آورد.

بطوریکه قبلاً اشاره شد؛ در اواخر دوران ساسانی،  
 توان و نیروی آتشگاه در اداره امور مملکت دوز به روز  
 کمتر میشد و هر روز بدعت‌های دینی تازه‌ای پیدامی-  
 شد؛ و روزه روز قدرت مؤبدان را متزلزلتر میکرد و  
 مردم را درباره حقانیت و پاکی آنها به تردیدی  
 انداخت.

از مطالعه تاریخ دوره ساسانی برمی‌آید که: در  
 پایان روزگار ساسانیان اختلاف در عقاید و مذاهب؛

اگر اسلام به ایران نیامده بود، چه  
 میشد؟!

بهنگام مطالعه تاریخ ایران؛ چه بسا که برای  
 خواننده یا پژوهشگر؛ ممکن است این سؤال پیش  
 بیاید، که اگر اسلام به ایران نمی‌رسید؟!

و یا ایرانیان اسلام را به آغوش باز پذیرانمی‌شدند؟  
 چه میشد؟! وضع ما ایرانیان از نظر دینی و اعتقادات  
 مذهبی چگونه میشد؟! آیا آئین زردشت به قدرت  
 و نفوذ خود باقی می‌ماند؟! و برای هدایت و ارشاد  
 اخلاقی مردم ایران کافی بود؟! پاسخ این «چه

به روز صغیرتر می گشت.

مؤبدان به جای اینکه در اصلاح خود و آئین خودشان کوشش کنند، تمام قدرت خود را صرف دفع نفوذ ادیان معاصر می کردند؛ تعصب و خشونت می دادند، باعث نومیدی و دلسروی پیروان این مذاهب می گشت، ناچار از فشار و تجاوزاتی که به آنها میشد؛ یزارتر میشدند و می کوشیدند که از زیر بار گران این ناملایمات، خود را بیرون آورند.

زردشتیان و ناسیونالیستهای افراطی به اسلام تهمت می زدند و از آن، دین «آتش و شمشیر» یاد می کنند، در صورتیکه به اعتراف مورخان خود زردشتیان بودند که به «زور شمشیر» دین خود را بدیگران تحمیل می کردند. مؤلف «تاریخ اجتماعی ایران» می نویسد: «... در اردنستان ساسانیان سیاست خشنی پیش گرفته بودند، و به «زور شمشیر» می خواستند «دین زردشتی» را در آنجا رواج دهند. ارمنی ها؛ در نتیجه ی همین «خون ریزی» ها؛ قرن ها پایداری و لجاجت کرده؛ نخست در مذهب بت پرستی خود پافشارده و سپس در حدود سال ۳۰۲ میلادی؛ اندک اندک، بنای گرویدن به دین عیسوی را گذاشتند...» (۳) «گوریستن سن» می نویسد: «درباره شهدای عیسوی انواع و اقسام زجرها و شکنجه های دهشتناکی که

وحدت فکر و آرمان ملی را تهدید می کرد. گذشته از مذاهب و عقایدی که آشکارا و پنهانی مردم را از آئین زردشت منحرف می داشت؛ در خود آئین زردشت نفاق و اختلاف بسیار بود غیر از فرقه «زروانیه» که بخدای دیرین، که پدر هرمز و اهریمن بشمار می آمد؛ می گرویدند، فرقه های دیگر بنامهای مختلف: «کیومرثیه»؛ «زرداشتی» (۱) و «مسخیه» بودند (۲) اختلاف کلمه در میان پیروان آن کیش روز به روز شدت می یافت و اینهمه اختلاف زاده بدعتهای دینی بود که در این ادوار پدید می آمد؛ مؤبدان در برابر این بدعتها خشونت سخت نشان میدادند و پیروان آنها را بیرحمانه می کوبیدند.

در قلمرو حکومت ساسانی هر چند آئین رسمی کشور؛ آئین زردشتی بود ولی همه ایرانیان پیرو کیش زردشت نبودند. آئین زردشت علاوه بر اینکه با کیشهای مانوی و مزدکی و... که در ایران ظهور کرده بودند و رقیبهای سرسختی برای آئین زردشتی بودند، تهدید میشد و نیز با ادیان و مذاهب گوناگون که از خارج به ایران وارد شده بودند در ستیز بود. دین مسیحیت و مذاهب کلدانی و صائینی از سوی غرب و آئین بودائی از جانب شرق، کیش «زردشت» را در میان گرفته؛ به سرعت گسترش پیدا می کردند. در مقابل، آئین زردشت به عقب رانده میشد و روز

(۱) ملل و نحل: شهرستانی ص ۱۸۲ - صبح الاعشی فی کتابه الانشاء: احمد بن علی القلقشندی:

ج ۲۹۲/۱۳

(۲) رساله فی تصحیح لفظ الزندیق: کمال پاشا: ص ۳۰۷ بنا نقل: احمد افشار شیرازی در کتاب

«مانی و دین او»

(۳) تاریخ اجتماعی ایران ص ۲۱

مسیحیت در ایران چنین می‌نویسند: «در موقمی که سلسله ساسانی‌ها جانشین اشکانیان شد، عیسویان مرکز تبلیغی مهمی در شهر «السر» داشتند... دولت در جنگهای بزرگی که با روم کرد اسیران را در نواحی دوردست کشور ایران مسکن داد، پادشاهان ایران در لشکر کشی‌های خود به سوریه گاهی تمام سکنه یک شهر یا یک ناحیه را کوچ داده در یکی از نقاط داخلی کشور مقیم می‌کردند؛ چون قسمت اعظم این مهاجرین عیسوی مذهب بودند دیانت مسیح در هر گوشه‌ای از ایران اندکی رواج گرفت» (۵)

در کتاب «تمدن ایرانی» تحت عنوان: «دین مسیح در ایران عهد ساسانی» می‌نویسد:

«دریزانس، امپراتور روم در باره تمام جامعه مسیحی بودند. در ایران گذشته از اینکه عملاً قدرت در دست زردشتیان بود، اصولاً از ابتدای عهد ساسانی دولت هم از دین زرتشت که دین رسمی بود حمایت میکرد... در زمان شاپور دوم که از نظر سیاسی با کنستانتین دشمنی داشت، وضع مسیحیان ایران بسیار سخت بود...»

در ابتدا مسیحیان به شدت مورد آزار قرار گرفتند؛ بدون محاکمه یا بعد از محاکمه مختصری آنها را به قتل می‌رساندند یا به طریق بسیار شدیدی شکنجه میدادند. شرح شکنجه قربانیان مسیحی به زبان شامی به دست ما رسیده و نشان میدهد چگونه این مسیحیان که امروز نام آنها را فراموش کرده‌ایم با قدرت و شجاعت کشته شده‌اند، ولی بزودی مقامات

محاکم می‌توانستند از آن استفاده کنند، مذکور است برای ترسانیدن متهمین آلات و ادوات مختلف شکنجه را در برابر چشم آنها می‌گستراندند؛ زندانیان را گاهی واژگون و گاهی با یک پاس رنگون بردار می‌کردند و با تازیانه‌های بافته می‌زدند و در زخمها سرکه و نمک می‌ریختند اندام آن بی‌نویان را یک یک قطع می‌کردند و پوست سرشان را می‌کنند گاهی پوست چهره را از پیشانی تا چانه بر میداشتند و گاهی پوست دست و پشت آنها را می‌بریدند و سرب گداخته در گوش و چشم آنها می‌ریختند و زبان‌شان را می‌کنند. گردن یکی از عیسویان را سوراخ کردند و زبان او را از آن سوراخ بیرون کشیدند، جوالد و زرد در چشم و در تمام بدن فرو می‌کردند...

یکی از ادوات کثیرالاستعمال؛ شانه آهنین بود که گوشت تن محکوم را با آن می‌کنند... وحشتناکترین شکنجه‌ها، شکنجه معروف به «نه مرگ» بود که جلاد به ترتیب انگشتان دست و پا و بعد دست را تا مچ و پا را تا کعب و سپس دست را تا آرنج و پا را تا زانو و آنگاه گوش و بینی و سر انجام سر را قطع می‌کرد. اجساد اعدام شدگان را پیش حیوانات وحشی می‌افکندند گاهی محبوبین عیسوی را به وعده آزادی به اعدام همکیشان خود وادار می‌کردند...» (۴)

### دین مسیح در عهد ساسانی

دین حضرت عیسی از زمان اشکانیان در ایران انتشار داشت. محققان راجع به علت و منشأ پیدایش

(۴) ایران در زمان ساسانیان: ص ۲۱۵ - ۲۱۶

(۵) ایران در زمان ساسانیان/ ص ۲۹۰

در ایران روزبه روز بیشتر انتشار می‌یافت و می‌توان گفت که اگر اسلام به ایران نیامده بود کلیسا؛ اندک اندک جای آتشگاه را می‌گرفت. (۷)

مؤلف کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران» می‌گوید: «... اسلام که بسه ایران آمد بیش از آنکه به زردشتی‌گری که در حال انحطاط بود ضربه بزند به مسیحیت که در حال رشد و توسعه بود، ضربه زد، بازاریش را شکست و آنرا از میدان بدر کرد؛ اگر اسلام نیامده بود مسیحیت در سراسر مشرق‌ریشه میدوانید و تنها نفوذ معنوی اسلام بود که مانع گسترش مسیحیت در شرق نزدیک و شرق دور شد. پاپهای مسیحی همواره بیش از مؤبدان زردشتی از توسعه و نفوذ معنوی اسلام در ایران رنج می‌برده‌اند، زیرا آنها بیش از اینها احساس غبن میکرده‌اند» (۸)

آری اسلام با روح تازه و تعالیم زنده از راه رسید، بکلی مسیر تاریخ را دگرگون ساخت؛ قدرت و شکوه اسلام ادیان دیگر خاصه مسیحیت را که در حال پیشرفت بود؛ خاضع کرد و طومار همه را در نور دید و پیروان آنها در قلمرو اسلام به صورت اقلیت‌های مذهبی بحیات خود ادامه دادند تا گفته‌نماند اسلام از ایران خطر بزرگ دیگری را نیز دفع نمود، زیرا اگر وضع بهمان منوال ادامه داشت مسیحیت سرتاسر غرب ایران را فرا می‌گرفت و کلیسا بر همه جا تسلط پیدا می‌کرد و در نتیجه ایران نیز بهمان بلا

رسمی به این مطلب پی بردند که این مسیحیان پر تجربه از اتباع مناطق فرعی و خارجی‌های نافرمان که هر ساعت خیانت میکردند، نبودند، بلکه از ایرانیان حقیقی بودند که در زمان سابق از طرفداران جدی مذهب زرتشت محسوب میشدند و بعضی از آنها از اشخاص بسیار برجسته و مشهور بودند که در میهن دوستی آنها شکی نبود، فقط در حفظ عقیده خود بسیار ثابت قدم بودند... با وجود مدت‌چهل سال آزار و شکنجه دین مسیح در ایران موقعیت مطمئن به دست آورد... مسیحیان ایران به زودی صاحب حیات معنوی و فرهنگی نیرومندی گردیدند... در سلوکیه (تیسفون) و خصوصاً در نصیبین؛ مکتبهای روحانی و مذهبی به وجود آمد، تأسیس صومعه‌ها باعث شد که غده زیادی معلمین اصول مذهبی در آن صومعه‌ها تربیت شدند...» (۶)

در دوره ساسانیان صدها و بلکه هزارها دیر مسیحیان در مغرب برپا گردیده بود و پیشوایان مسیحی در تبلیغ مردم کوشا بودند.

با اینحال مؤبدان در مبارزه با آئین عیسی بعد تمام می‌کوشیدند مگر کلیساها بدسیسه مؤبدان بسته میشد و یا به غارت میرفت. اما در پایان عهد ساسانیان خصوصاً در زمان خسرو پرویز مسیحیت در ایران بیش از هر وقت دیگر قوت گرفت و بسیاری از خاندانهای نام آور به آئین ترسانی گرویدند. بدین ترتیب عیسویت

(۶) کتاب «تمدن ایرانی» بقلم جمعی از خاورشناسان / صفحات ۲۱۶-۲۱۸

(۷) مقایسه شود با کتاب «تاریخ ایران» دکتر زرین کوب ص ۱۹۱- برای اطلاع بیشتر رجوع شود به

کتاب «آئین مسیح و تأثیر آن در ادب فارسی»

(۸) همان کتاب: ص ۲۰۳

در چنین صورتی ایرانی صاحب اینهمه افتخارات و آثار و ذخایر گرانبهای علمی و فرهنگی نبود و از تمدن عظیم و شکوهمند بسیار کم نظیری که در سایه اسلام بوجود آورد؛ خبری نداشت و هزاران عالم نامدار مانند: بوعلی سینا، فارابی، بیرونی و خواجه نصیرالدین طوسی و . . . با دهها هزار تألیف مهم و ارزشمند به ظهور نمی آمدند .

آری اسلام موجب شد که ایرانیانی عالیقدر در جهان علم و فلسفه و عرفان و هنر و صنعت و تقوا ظهور کنند و بلند آوازشوند و نامشان جهانگیر گردد.

مصیبت خانمانسوز گرفتار میشد که کشورهای اروپائی در دوران تاریک قرون وسطی بدان مبتلا شده بودند و سرزمین ایران نیز مانند اروپا میدان وحشتناک یکبار سخت «دین» و «دانش» می گشت کلیسای دانش کش و خرافه پرور ، دانشمندان و متفکران ایرانی را نیز بجرم افشای حقایق علمی محکوم و نابود می ساخت؛ و ایران را در اذیت و فرومی برد و استعدادها را راکد می کرد و تاریخ ایران را در یک مسیر انحرافی می انداخت و تمدن ایرانی را ضایع و تباہ می نمود .

### بدون شرح

## استاندارد ودکا

موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران اعلام کرد ، از این پس رهایت استاندارد ، عرق و ودکا در سراسر کشور اجباری شد و تولید کنندگان فراورده های مزبور مکلفند کیفیت تولیدات خود را با ضوابط و آزمایشهای استاندارد تطبیق دهند .

موسسه استاندارد در این باره اظهار نظر کرده است که ودکا از جمله فراورده های است که مستقیماً با سلامت ! مردم ارتباط دارد ( البته گفته نشده نوشیدن و یا ننوشیدن آن ! ) به همین دلیل موسسه استاندارد بمنظور حمایت از مصرف کننده و حفظ سلامت وی ! ( معلوم شد که سلامت استفاده کنندگان مورد نظراست نه مخالفین ) ضوابط جدیدی بصورت استاندارد اجباری به مورد اجرا میگذارد .

ملاحظه میفرمایید : این را میگویند توجه به سلامتی و بهداشت عمومی !

خواندنیها شماره ۳۱ سال ۳۵